

بررسی جهت گیری ضرب المثل های داستان سمک عیار از منظر قابلیت های هوش هیجانی

فرشته زواری درخشان^۱، رضا صادقی شهپیر^۲

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

نویسنده مسئول: r.s.shahpar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۳ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

چکیده

ضرب المثل های هر قوم و ملتی نشان دهنده عادات و افکار و مناسبات اجتماعی میان مردم یک جامعه است، از این رو پژوهش حاضر میخواهد از طریق بررسی ضرب المثل های بازتاب یافته در قصه سمک عیار به روانشناسی رفتار و کردار مردم و چگونگی رویارویی آنها با مسایل و سلوک اجتماعی آنها بپردازد. تحقیقات پیشین فقط به دنبال یافتن ضرب المثل ها در داستان سمک عیار بوده اند، اما نگارندگان در این پژوهش در پی یافتن قابلیت های هیجانی در ضربالمثل های این قصه بر اساس نظریه «بار-اون» (bar-on) هستند. روش پژوهش، استفاده از تحلیل محتوا است. واحد تحلیل، همه ضربالمثل های است که به صورت جمله در این کتاب آورده شده است. وقتی که ضربالمثلها به عنوان واحد ثبت مورد تحلیل قرار گرفت، تطابق آن با مؤلفه های هوش هیجانی از دیدگاه «بار-اون» انجام شد. در پنج جلد سمک عیار، ۶۰۳ ضربالمثل یافت شد که بیشتر، ناظر به منش و اصول و قواعد مورد احترام در حلقه عیاران است. از بین ۱۵ مؤلفه مطرح در ضربالمثلها به ترتیب، واقعیت گرایی، انعطاف پذیری، حل مسئله، تحمل استرس، روابط بین فردی و تعهد اجتماعی از بقیه مؤلفه ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. از لحاظ آماری نیز بین این مولفه ها تفاوت معنا داری وجود دارد و فاصله مقیاس سازگاری با بقیه مقیاسها بسیار زیاد است.

کلیدواژه: داستان سمک عیار، هوش هیجانی، قابلیت های هیجانی، ضربالمثل.

مقدمه

ادبیات عامیانه و شفاهی که در گذشته های نهچندان دور، در میان مردم جامعه رایج و جاری بوده و در زندگی آنها نقش پررنگتری داشته، آکنده از عناصر و عبارات و نکته های نغز و آموزنده های است که میتواند به بهترین شکل، مفاهیم فرهنگی و اجتماعی مورد نظرش را به مخاطب انتقال دهد. یکی از این عناصر ارزشمند و قابل توجه در متون ادب عامیانه، ضربالمثلها و کنایاتی است که بنا بر موقعیتهای و شرایط مختلف و مقتضی به کار رفته است که میتواند بازتاب پنهان و دربرده اندیشه ها و احساسات و گویای عادات و منش و رفتارهای افراد و گروهها باشد. مثلها یکی از زیرمجموعه های فرهنگ مردم یا فولکلور است که افزون بر دربرداشتن عادات و طرز زندگی و مناسبات اجتماعی میان مردم یک جامعه، نشاندهنده عواطف و احساسات روحی و روانی و نوع برخوردشان با مسایل و مشکلات پیرامون است. «ضربالمثل ها نشان دهنده الگوهای رفتاری بهنجار و نابهنجار و ارزشها و ضد ارزشهای اجتماعی هستند که مردم آنها را پذیرفته یا رد کرده اند... مثلها گوینده مشخصی ندارند و همه مردم طی تاریخ آنها را صیقل داده اند؛ پس آیین تمامنمای جامعه و تاریخ یک ملت به شمار میروند.» (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۲۸ و ۲۹) برای شناخت ابعاد فرهنگی و مناسبات اجتماعی یک جامعه، شناخت ادبیات عامیانه، مخصوصاً ضربالمثلها به منزله چکیده و فشرده باورها و اندیشه و افکار یک ملت، بسیار ضروری است. سمک عیار یکی از مهمترین متون داستانی ادب عامیانه در اواخر قرن ششم هجری، تحریر فرامرزن خداداد بن عبدالله کاتب ارجانی از قول داستانگزاران به نام صدقه بن ابوالقاسم است. این کتاب، داستان رفتن خورشیدشاه به سرزمین چین برای یافتن و خواستاری مهپری-دختر فغفور چین- و یاری شدن او از سوی سمک عیار و یارانش و جنگهای پیاپی با چین و ماچین است. قصه سمک عیار سرشار از ضربالمثلهایی است که در موقعیتهای مختلف از زبان اشخاص داستان گفته میشود. در این مقاله، به بررسی ضرب المثل های موجود در سمک عیار و جهتگیری آنها از منظر قابلیت های هوش هیجانی خواهیم پرداخت.

۱-۱ پرسش های پژوهش

در ضرب المثل ها، معانی بیشماری نهفته است که از ورای آنها میتوان به بسیاری از ویژگیهای قومی و جهتگیریهای فکری جوامع و دانش وسیعی از انسانشناسی، مردمشناسی و شیوه تفکر هر قومی دست یافت. اغلب ضربالمثلهای بهکار رفته در قصه سمک عیار، نشاندهنده ارزیابی موقعیتها، استدلالهای منطقی و تبیین های مختلف از وقوع ماجراها و حوادث است که در قالب یکی از قابلیت های هیجانی قرار میگیرند. هدف نگارندگان مقاله، تعیین جهتگیری ضربالمثلهای داستان سمک عیار از منظر قابلیت های هوش هیجانی است و میخواهند به پرسشهای زیر پاسخ دهند:

-جهتگیری ضربالمثلهای سمک عیار از لحاظ توجه به مولفه هوش هیجانی چگونه است؟

-کدام مؤلفه/مؤلفههای هوش هیجانی در ضربالمثلها نمود بیشتری دارند؟

۱-۲ بیان مسئله پژوهش

هدف اصلی در نگارش اغلب قصههای عامیانه، سرگرم کردن خواننده و جلب توجه او به کارهای شگفتانگیز چهرههایی است که نقشآفرین رویدادهای عجیب هستند، اما در حقیقت زیربنای فکری و اجتماعی قصهها ترویج اصول انسانی و عدالت اجتماعی است و اغلب دارای ابعاد اخلاقی و تربیتیانده. ضربالمثلها از آن روی که چکیده و خلاصه اندیشه و عادات و رفتار یک قوم و ملت است که در طول سالیان دراز، تراش خورده و به ظهور رسیده است، میتواند حامل مفاهیم بسیار عمیق و بلند آشکار یا پنهان باشد. اگر بخواهیم از ضربالمثلها، دلالتهای مناسبی استخراج کنیم، باید از صورت ظاهر آنها فراتر برویم و در معانی و دلالتهای ضمنی آنها تأمل نماییم چرا که یکی از مهمترین ویژگیهای ضربالمثلها، بیان استعاری پیامهای اجتماعی و اخلاقی و اندرزی است. از طریق ضربالمثلها میتوان به گذشته فکری، فرهنگی، اصول، ارزشها و سلوک اجتماعی یک قوم یا ملت پی برد. سمک عیار به منزله داستانی عامیانه که بازتاب زندگی توده مردم در آن غلبه دارد، از منظر اشتغال بر ضربالمثلهای متعدد که بیانگر باورها و احساسات و عادات و رفتار مردمان زمانه است، اهمیت بسیار دارد. بازتاب ۶۰۳ ضربالمثل در کل کتاب، حاکی از اهمیت و جایگاه بلند مثل در قصههای عامیانه و نیز در همین اثر است. در میان وقایع و حوادث اساسی این داستان، ضربالمثلهای متعددی ذکر شده است که غیر از این که چاشنی کلام و برای تأکید بر موضوعاتی خاص است، نوع نگرش و باورهای اشخاص و گروهها را نیز روشن میکند. بررسی این مثلها از منظری روانشناختی و مطابقت دادن آن با مؤلفههای هوش هیجانی و این که نویسنده/راویان این داستان، بر کدام یک از نیازهای مردم زمانه خود آگاهی و اصرار داشتهاند، مسئله اصلی این پژوهش است.

۱-۳ روش پژوهش

این مقاله، حاصل بخشی از نتایج تحقیق وسیعی است که بر روی داستان سمک عیار به روش تحلیل محتوا صورت گرفته است. روش تحلیل محتوا، روشی کیفی و کمی است. برای اجرای این روش، ابتدا باید واحدهای پیام را انتخاب کرد. در این تحقیق، واحد پیام، همان ضربالمثل و یا جمله‌های است که حاوی مفهوم و مضمون است. همچنین هر ضربالمثل یک واحد ارتباطی است. واحدهای کدگذاری از درون واحد زمینه استخراج میشوند که پنج جلد کتاب سمک عیار به تصحیح پرویز ناتل خانلری است. جامعه آماری این پژوهش، همه ضربالمثلهایی است که در این پنج جلد بازتاب یافتهاند و خانلری (۱۳۶۴) و سلیم (۱۳۵۶) نیز به استخراج آنها همت گماشتهاند. ضربالمثلهایی که خانلری در کتاب «شهر سمک» آورده، بالغ بر ۲۷۸ مورد است. عبدالامیر سلیم نیز ۴۰۳ ضربالمثل را از داستان سمک عیار استخراج کرده است. در مقایسه‌های که بین شهر سمک و مقاله سلیم به عمل آمد، مشخص شد که مقاله سلیم ۱۲۵ ضربالمثل بیشتر دارد و در شهر سمک نیست. همچنین ۸۶ ضربالمثل نیز خانلری آورده است که در مقاله سلیم موجود نیست. نهایتاً با بررسیهای بهعمل آمده بر روی داستان سمک عیار، ۶۰۳ ضربالمثل مشخص و استخراج شد و مبنای این پژوهش قرار گرفت.

۲- پیشینه پژوهش

داستان سمک عیار از مناظر مختلف (شیوه داستانپردازی، فرهنگ عامه، نوع ادبی حماسه یا افسانه، شیوهها و آیینهای عیاری و جوانمردی و ...) مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است، اما تاکنون ضربالمثلهای این کتاب از منظر قابلیت‌های هوش هیجانی بررسی نشده است، از این روی پژوهش حاضر از آنجا که نخستین پژوهش درباره مثللهای سمک عیار با این رویکرد است، اهمیت و تازگی دارد. اغلب پژوهشها درباره مثللهای فارسی با رویکرد جامعه‌شناختی و مردمشناسی صورت گرفتهاند. ذوالفقاری (۱۳۸۶) در مقاله «هویت ایرانی و دینی در ضربالمثلهای فارسی» خاستگاه ملی و دینی ضربالمثلها را از میان یکصد هزار مثل فارسی، شناسایی و دستهبندی میکند. جوانمرد و نجیبزاده (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی مردمشناختی ویژگیهای فرهنگی و اقلیمی در ضربالمثلهای شهر کرمان» از منظر نظریه‌های مردمشناسی به تبیین ضربالمثلهای این اقلیم میپردازند. سهرابزاده و یزدخواستی (۱۳۹۱) هم در مقاله «مطالعه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در ضربالمثلهای فارسی» ضربالمثلهای کتاب امثال و حکم دهخدا را از نظر ارزشهای اجتماعی و فرهنگی بررسی کردهاند. مرتبترین پژوهش به پژوهش حاضر نیز رویکردی جامعه‌شناختی دارد؛ ناظریان و نظری (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی ضربالمثل به عنوان یک گونه ادبی و ارتباط آن با اجتماع از دیدگاه داستان سمک عیار»، به دستهبندی ضربالمثلهای سمک عیار از نظر دلالت مفهومی و ارتباط آنها با گروهها و طبقات اجتماع پرداختهاند. مقالات دیگری هم با رویکردهای مختلف روانشناختی به بررسی ضربالمثلهای فارسی

پرداخته‌اند، مانند: صادقی‌منش و علوی مقدم (۱۳۹۶) «بررسی همسنج جایگاه زن در ضربالمثل‌های امثال‌الحکم و فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفورد بر بنیاد دیدگاه‌های روانشناسی آدلر و اریک برن»، نجاتی و رامش (۱۳۹۴) «آزمون درک ضربالمثل فارسی: ساخت و بررسی ویژگی‌های روانسنجی»، چراغی و ابراهیمی (۱۳۹۷) «تحلیل روانشناختی رابطه والد-فرزندی، در ضربالمثل‌های ایرانی».

۳- مبانی نظری

هیجانها بخش اعظمی از زندگی را در بر میگیرند. حضور مستقیم و غیر مستقیم هیجانها را میتوان در استدلال و عقلانیت مشاهده کرد. بیاعتنایی به هیجانها، عدم مدیریت آنها و مسامحه در بیان آنها میتواند هزینه‌های گزافی را برای انسان در پی داشته باشد. به اعتقاد بعضی از صاحب‌نظران، هوش‌هیجانی میتواند بستر مناسبی برای اعتدالی فردی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف و متنوع فراهم آورد. هیجان عبارت است از واکنش عاطفی مانند شادی، اندوه، ترس، خشم و حالت خاصی از ارگانیزم که با یکی از تظاهرات بدنی همراه است. هر هیجانی همراه با تجربه ذهنی، پاسخ‌های جسمی - درونی، شناختی، شناخت‌های شخصی، جلوه‌های چهره، واکنش و گرایش همراه با اعمال است. (میردیکوندی، ۱۳۹۰: ۹۸) شناخت احساسات و هیجانات خویش در این قرن به عنوان یک موضوع بسیار مهم و حساس مطرح شده است. اولین بار در دهه نود میلادی، روانشناسی به نام سالوی (salovey) اصطلاح هوش هیجانی را برای بیان کیفیت و درک احساسات افراد، همدردی با احساسات دیگران و توانایی اداره مطلوب خلق و خو به‌کار برد. در حقیقت این هوش مشتمل بر شناخت احساس خویش و دیگران و استفاده از آن برای اتخاذ تصمیمات مناسب در زندگی است که هنگام شکست، در شخص ایجاد انگیزه میکند و به واسطه داشتن مهارت‌های اجتماعی، منجر به برقراری رابطه خوب با مردم میشود. نظریه هوش هیجانی، دیدگاه جدیدی درباره پیشبینی عوامل مؤثر بر موفقیت و همچنین پیشگیری اولیه از اختلالات است. هوش به شکل‌های مختلف تعریف شده است، مانند: توانایی ادامه دادن تفکر انتزاعی، داشتن استعداد برای انطباق با محیط و شرایط جدید در زندگی، توانایی بهره بردن از تجربه و همچنین توانایی یادگیری و کاربرد مهارت‌های لازم برای سازگاری با نیازهای فرهنگ و محیط فرد است. (همان، ۹۸) هوش هیجانی به مانند هوش شناختی نیست که تنها جنبه کلی و عمومی هوش را نشان دهد، بلکه هوش هیجانی به جنبه‌های اختصاصی هوش میپردازد که در انسانها به صورت آموختنی و اکتسابی وجود دارد و با تربیت و آموزش رشد میکند. از دیدگاه مایر (mayer) و سالوی هوش هیجانی میتواند به چهار شاخه، تقسیم شود. اولین شاخه: احساس و بیان هیجانی؛ شامل بازشناسی و وارد کردن اطلاعات کلامی و غیر کلامی از سیستم هیجانی است. شاخه دوم: تسهیل تفکر به وسیله هیجان که عبارت است از به‌کارگیری هیجانها به عنوان قسمتی از جریان شناختی مانند: خلاقیت و حل مسئله. شاخه سوم: فهم یا ادراک هیجانی که شامل پردازش شناختی هیجان بوده و عبارت است از بصیرت و معلومات به دست آمده در مورد احساسات خود یا احساسات دیگران. شاخه چهارم: اداره یا تنظیم هیجان در مورد خود و افراد دیگر است. (اکبرزاده، ۱۳۸۳: ۱۵) «هوش هیجانی ترکیب عاطفه با شناخت یا هیجان با هوش است. بنابر این، هوش هیجانی توانایی به‌کارگیری هیجانها به منظور کمک به حل مشکلات و داشتن زندگی اثربخش است. هوش هیجانی بدون هوش شناختی یا هوش شناختی بدون هوش هیجانی فقط بخشی از راه حل است.» (آقایار و شریفی درآمدی، ۱۳۸۶: ۳۶) هوش هیجانی عبارت است از اینکه فرد به چه میزان از هیجانها، عواطف و احساسات خود آگاهی دارد و چگونه آنها را کنترل و اداره میکند. به عبارتی دیگر یک دسته از ظرفیتهای، شایستگیها و مهارتهایی است که توانایی فرد را در مقابله با فشارهای زندگی و محیطی افزایش میدهد. هیجان نیروی قدرتمندی است که عامل برانگیختگی و حرکت در انسان میباشد. اگرچه اغلب هیجانها، پنهان یا بازداشته میشوند اما آنها همواره از سوی محرک‌های درونی و بیرونی تحریک میشوند و پاسخ یا اعمال افراد را تحت تأثیر قرار میدهند. از این رو توانایی، تشخیص و ابراز صحیح آنها میتواند به سازگاری و احساس خوشایندی منجر شود. (اکبرزاده، ۱۳۸۳: ۱۵) به طور کلی هوش هیجانی بیانگر آن است که در روابط اجتماعی و در تعاملات روانی و عاطفی و در شرایط خاص چه عملی مناسب و چه عملی نامناسب است. هوش هیجانی تعیین میکند که از مهارت‌های خود چگونه به بهترین نحوه ممکن استفاده کنیم و حتی کمک میکند خود را در مسیری درست به‌کار بگیریم. (برکتین، ۱۳۹۱: ۲۸) مدل‌های هوش هیجانی که توسط دانشمندان این رشته مطرح شده، متعددند، اما عمدتاً آنها دیدگاه «سالوی»، «گلمن (goleman)» و «بار-اون (bar-on)» میباشد.

از دیدگاه گلمن، هوش هیجانی دست کم چهار حوزه دارد :

۱- آگاهی هیجانی (توانایی جدا کردن احساسات از عمل

۲- مدیریت هیجانها (توانایی کنترل عصبانیت

۳- تشخیص هیجانها (دیدن دنیا از دریچه چشم دیگران

۴- اداره کردن روابط (توانایی حل مشکلات

دیدگاه سوم که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است مربوط به «بار-اون» میباشد. وی هوش هیجانی را مشتمل بر پنج مؤلفه میدانند که با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی که تدوین نموده است سنجیده میشود. این پنج مؤلفه دارای پانزده خرده مقیاس است:

۱- حیطة درونفردی: شامل پنج مؤلفه خودآگاهی هیجانی، قاطعیت، حرمت نفس، استقلال و خودشکوفایی است.

۲- حیطة میانفردی: شامل سه مؤلفه همدلی، روابط میان فردی و مسئولیت پذیری است.

۳- حیطة سازگاری: شامل سه مؤلفه حل مسئله، واقعیت سنجی، انعطاف پذیری است.

۴- حیطة کنترل استرس: شامل دو مؤلفه تحمل فشار و کنترل تکانه است .

۵- حیطة خلق کلی: شامل دو مؤلفه خرسندی و خوش بینی است.(اکبرزاده، ۱۳۸۳: ۲۵)

۴- تحلیل ضرب المثل ها از منظر قابلیت های هیجانی

معنی لغوی مَثَل، همتا، مانند و مِثَل است. یکی از معانی آن نیز، تشبیه است و در معنای اصطلاحی عبارت است از قول مشهور و سائری که حالتی یا کاری را بدان تشبیه کنند.(پورنامداریان، ۱۳۹۶: ۱۳۹ و ۱۴۱) تعاریف متعددی از مثل وجود دارد که هر یک به جنبه یا جنبه‌هایی از آن تأکید دارند و صورت کاملتر و جمعیندی شده آنها را میتوان چنین بیان کرد: «مثل، جمله‌ای است کوتاه، استعاری، برگرفته از تجربیات روزانه، با مضمونی حکیمانه، حاوی اظهار نظر یا عقیده‌های کلی و پندآموز که به دلیل روانی الفاظ، روشنی معنی و موسیقی کلام، میان مردم مشهور شده و آن را با تغییر جزئی یا بدون تغییر در گفتار خود به کار می‌برند و به آن استناد میکنند.»(ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۱۷) ویژگی بارز ضربالمثلها قابلیت تعمیم آنها در شرایط مختلف زندگی است. آنها ممکن است ابتدا تراوشات فرهنگ شفاهی مردم باشند و سپس به صورت مکتوب درآمده باشند. داستان سمک عیار بیش از ۶۰۰ ضربالمثل را در خود جای داده است و همه آنها در شرایط مقتضی و متناسب با موقعیت زندگی اجتماعی در داستان مطرح شده‌اند. در بطن ضربالمثلها، اقناع مخاطب به منزله فرض اصلی مطرح است، ضمن آنکه فرد وقتی که با بحران و مسئله‌های مواجه است برای گشودن آن، از مثلها بهره میگیرد. ضربالمثل در کتاب سمک عیار، ابزاری برای رها شدن، تصمیم گرفتن و انتخاب کردن و عمل کردن در شرایط بحرانی است. معمولاً افرادی که از ضربالمثلها بیشتر استفاده میکنند، از لحاظ شخصیت اجتماعی، رهبری، مدیریت و تجربه ممکن است با بقیه مردم متفاوت باشند. کلام به منزله یک عامل مؤثر، همیشه در رهبری، هدایت، تصمیمگیری و انتخاب در مواقع برخورد با مشکل و بحران، کارساز است. استفاده از ضربالمثلها تأثیر و نفوذ کلام را بیشتر میکند و به همین دلیل، مدیران در شرایط بحرانی بیشتر از آن استفاده میکنند. امروزه به دلیل شرایط رقابتی در جهان، مدیریت با هوش هیجانی عجین شده است. همه سازمانها در کشورهای پیشرفته نسبت به این موضوع اهتمام کامل دارند. فرایند مدیریت و بازاریابی کارا، لازمه داشتن هوش هیجانی است. کلام، تصمیم و انتخاب در هوش هیجانی بسیار مهم است. نفوذ کلام با ضربالمثلها بیشتر میشود. اگر به ۱۵ عامل مؤثر در ۵ حیطة هوش هیجانی دقت کنیم، جایگاه کلام و شیوایی محتوای آن بسیار مهم است؛ اینکه چه کسانی از آن به چه نحوی استفاده میکنند، سرنوشتساز است. «رهبرانی موفق هستند که از سه مهارت شناختی، فنی و هوش هیجانی برخوردار باشند و جالبتر اینکه اهمیت هوش هیجانی دو برابر مهارتهای دیگر است.» (اقایار و شریفی درآمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۹) مهمترین ویژگی و حسن هوش هیجانی این است که یک مهارت انعطافپذیر است. مهارتهای هوش هیجانی باعث پیشرفت رهبری و کار گروهی میشوند. این مدل، چهار مقیاس اصلی و یک مقیاس عمومی دارد که در قالب پنج حوزه، در جدول بالا دیده میشود. چهار مقیاس اصلی شامل موارد زیر است :

۱- توانایی آگاهی از درک و بیان خود.

۲- توانایی آگاهی از درک و ارتباط با دیگران.

۳- توانایی پرداختن به هیجانات قوی و کنترل تکانه های خود.

۴- توانایی انطباق با تغییرات و حل مشکلات اجتماعی و شخصی.

افراد با توجه به موارد بالا با وقایع زندگی مقابله میکنند. مقابله، یک نوع پاسخ به هیجانهاست، به خصوص هیجانهای منفی که بر اثر حوادث شکل میگیرد. وقایعی که در خارج اتفاق میافتد تا حد زیادی تابع قدرت آنها در برانگیختن هیجانهای آدمی است. البته تمام پاسخها به هیجانهای برانگیخته به طور یکسان با موفقیت همراه نیست. داستان سمک عیار انباشته از هیجان، بحران، تصمیم و انتخاب است. سمک خود فردی از قشر فرودست جامعه است. با این که با کسانی مانند خورشیدشاه همراهی میکند، اما همواره خصلت عیاری خود را حفظ کرده و در اطراف خود افرادی را دارد که در راه اصول و معیارهای عیاری تلاش میکنند. عیاران با توجه به اصولی که طبق آن پرورش مییافتند از خصوصیات مطرح در هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن به خوبی برای پیشبرد کارهایشان سود میبرند. برخورد با بحرانها و مصون ماندن از تهدیدات و وقایع ناگوار، نیازمند مدیریت عیاران و خصوصاً سمک است که به عینه در داستان قابل مشاهده است. بحرانهایی که سمک و یارانش با آن مواجهند و در داستان به آن پرداخته شده، عبارتند از: بحرانهای اطلاعاتی، مادی، منابع انسانی، حسن شهرت، و فاجعه‌های طبیعی و... ارتباط بین ضربالمثلهای داستان سمک عیار با مؤلفه‌های هوش هیجانی، موضوعی مهم و قابل تأمل است. ابتدا حوزه هوش هیجانی را که در قالب پنج حیطة طرح شده است مورد بررسی قرار میدهیم که به ترتیب، حیطة سازگاری، حیطة درون فردی، حیطة میان فردی، حیطة کنترل استرس و حیطة خُلق عمومی است .

۴-۱- سازگاری

مقیاس سازگاری به این معنا است که فرد چه اندازه قادر است به طور موفقیت‌آمیز از طریق سنجش مؤثر شرایط و مقابله با موقعیتهای مشکلزا، با اقتضاهای محیطی سازگار شود. سازگاری تنها برای زندگی روزمره و عملکرد بهنجار در آن نیست، بلکه این افراد در فرآیند فعالیتهای اجتماعی، مشارکت قوی داشته و در سطح بسیار بالایی قرار دارند و از عملکرد خوبی هم برخوردارند. مقیاس سازگاری در داستان سمک عیار از بالاترین فراوانی برخوردار

است. ضربالمثلهای با گرایش به مؤلفه سازگاری که در درون آن، حل مسئله، آزمون واقعیتگرایی و انعطافپذیری وجود دارد، دارای تفاوت قابل ملاحظه‌ای با دیگر حیطهها هستند. این تفاوت، تصادفی نیست و میزان فراوانی بالا نشاندهنده این است که افراد در این داستان- خصوصاً سمک- به طور کلی انعطافپذیر، واقعگرا و قادر به درک موقعیت دشوار هستند و در رسیدن به راه‌های کارآمد، شایستگی دارند و در رویارویی با مشکلات، راه‌حلهای مناسب را پیدا میکنند.

۱-۴-۱ حل مسئله

مهمترین بُعد مسئله، شناخت خود مسئله و مشکل است. اینکه حریف یا موضوع چه ویژگیهایی دارد که مانع رسیدن ما به هدف است، اولین قدم برای حل مسئله و بحران است. در داستان سمک عیار، شناخت ویژگیهای دشمن، گامی برای جلوگیری از نابودی خود است تا بتوان راه حلی برای پیروزشدن بر او پیدا کرد.

- اصلِ مردی، حریف شناختن است. جان خود را به هرزه بر باد نشاید دادن. ج ۱۲۱/۴

توانایی شناسایی و تعریف مشکل و خلق و انجام راه‌حلهای مؤثر و انگیزه برای به کارگیری حداکثر توان مقابله با مشکلات، تحت عنوان حل مسئله مشخص میشود. در صورتی که مسئله و مشکل شناخته شود میتوان آن را با اتخاذ راه‌حلهایی گشود. وقتی که کج کلاه به خردک میگوید که من سه چوبه تیر انداختم و نتوانستم او را بزنم، به مشکلی برخورد کرده و کاملاً بر آن آگاهی دارد. به دنبال این سخن راه‌حلهایی را مطرح میکند که منجر به حل مسئله خواهد شد.

- در میان دوست و دشمن بی سلیح نشاید بودن. ج ۸۶/۴

زمانی که بین جماد و هرمزگیل نزاع در میگیرد شاه میشنود و به شهسوار میگوید: «برو و رها مکن که خصومت کنند. شهسوار بیامد و ایشان را ساکت گردانید. گفت: شاه شما را میخواند. جماد را در پیش کرد تا به در بارگاه آورد. گفت: سلیح بگشای. جماد گفت: قاعده ما نیست سلیح از تن بیرون کردن تا اگر کاری افتد بیساز نباشیم؛ در میان دوست و دشمن بی سلیح نشاید بودن.» (همان، ۸۶) جماد مشکل را شناسایی میکند. او انگیزه لازم برای مقابله مؤثر با آن مشکل و راه حل مناسب برای حل مسئله و در نهایت تصمیمگیری را دارد. او با تامل در خواسته دشمن خود مبنی بر خلع سلاح شدن مقاومت میکند و با طرح این ضربالمثل که «ما چه در میان دوست و چه در میان دشمن بدون سلاح حاضر نمیشویم»، هم جان خود را از خطر میرهاند و هم این که از کدورت و دشمنی احتمالی پیشگیری میکند.

۱-۴-۲ واقعگرایی

- از گوهر پاک جز پاکی نیاید. از پارسا جز پارسایی کسی نبیند. (ج ۳۰/۴)

گلبوی این مثل را خطاب به جوهره میگوید. گلبوی شناخت کافی از جوهره دارد و میداند که فردی صادق و خوش قول است و قبلاً هم بر این نیت بوده است. گلبوی خیالبافی نمیکند بلکه به واسطه سوابقی که از جوهره سراغ دارد، این جمله را بیان میکند. برای انجام کار جدید درک شرایط به صورت واقعی بسیار مهم است. فهمیدن اوضاع دور و بر و تفاوت آن چیزی که در ذهن و عمل است، واقعیتنگری است.

- در جنگ حلوا نمیدهند. (ج ۳۲/۵)

سمک را پیش قبط پری میبرند. قبط پری نگاهی به او میاندازد و تمام کارهایی را که سمک در حق آنان کرده است، یادآوری میکند و میگوید: «کنون تو را به عوض خون ایشان بکشم؛ اما تو را هنوز اجل مانده است... عالم افروز گفت: ای شاه پریان، همه گناه از من گفتم. تو را معلوم نبود که چه با ما میکردند. در جنگ حلوا نمیدهند.» (همان، ۳۲) واقعیت سنجی همان درک کردن و آگاه بودن از موقعیت کنونی، به دور از خیالپردازی است. سمک عیار نیز با توانایی ارزیابی تفاوت بین آنچه مورد انتظار قبط پری است و آنچه حقیقتاً وجود دارد، او را مجاب میکند که به هنگام جنگ باید دلیرانه جنگید. میدان جنگ جای رزم است و حلوا را در بزم میخورند.

۱-۴-۳ انعطاف پذیری

این مسئله بر صبر و شکیبایی در شرایط دشوار تأکید میکند تا بتوان با شرایط سازگاری پیدا کرد. در صورت عدم سازگاری با بعضی از شرایط، مشکلات بیشتری گریبانگیر فرد خواهد شد. با انعطافپذیری انسان فرصت مییابد که شرایط را به نفع خود تغییر دهد.

- عالم برای نام آوریست و غوغای جهان برای یادآوری. (ج ۱۸۹/۳) صبر و تحمل و انعطافپذیری در برابر شداوند و مصیبتهایی که پیش میآید از ویژگیهای انسانهای صبور است. انعطافپذیری، توانایی منطبق ساختن افکار، رفتار، شرایط و توانایی کلی در سازگاری با شرایط نا آشنا و دشوار است. گیلک فردی مطرب است و بیشتر مواقع در حال شراب خوردن با دوستان خود، ولی وقتی خبر دستگیری گلبوی و پهلوانان را میشنود میگوید: «ای جوانمردان! عالم

برای نام آوریست و غوغای جهان برای یادآوری. بیائید در جهان نامی بگذاریم که تا قیامت بگویند. بیائید این غریبان را از دست این پادشاه ظالم بگیریم.» (همان، ۱۸۹)

*شیر گرسنه چو از بند جست، کدام پهلوان او را تواند گرفتن؟(ج۴/۲۷۳)

فرخروز در بند قاطوس گرفتار است و قاطوس به خاطر گستاخیهای فرخروز مشتت بر گردن او میزند. فرخ روز گفت: «ای قاطوس روباه، شیر بسته بتواند زدن، اگر مردی مرا بگشای و با من دست در کمر زن تا تو را بیاموزم که مشت چگونه میباید زدن. قاطوس گفت بند از وی برگیرید تا جواب وی باز دهم. جام گفت ای شاه زنه‌ار که تو او را نمیدانی. اگر دست و پای خود گشاده ببند از بارگاه نرود تا هلاک ما برآورد. شیر گرسنه چو از بند جست، کدام پهلوان او را تواند گرفتن؟» (همان، ۲۷۳) فرخ روز توانایی لازم برای مقابله با دشمن را دارد اما در دست دشمن گرفتار است و دشمن در حالی که دستان او را بسته است، مشت بر گردنش میزند و او به ناچار خود را با این شرایط سازگار میکند. این سازگاری با هیجانها، افکار و رفتار خود در مقابله با دیگران در موقعیتها و شرایط متغیر، انعطافپذیری است.

۲-۴-۲- کنترل استرس

مقیاس دوم که از نظر فراوانی قابل بررسی است، کنترل استرس است. کنترل استرس شامل دو خرده مقیاس تحمل استرس و کنترل تکانه است. کسانی که در این مقیاس قوی هستند قادرند بدون از دست دادن کنترل با عقبنشینی ایستادگی کنند. این افراد به طور کلی آرام هستند و به ندرت تکانشی میشوند. این افراد از عهده کارهایی که فشارزا یا اضطرابزا یا تا حدی مستلزم خطرند به خوبی بر میآیند. همه کسانی که در خط اول فعالیتهای خطرناک هستند مانند: سربازان، افسران و ... باید این مقیاس را داشته باشند. داستان سمک عیار پر از حوادث تنشی و استرسزا است که بیشتر در نبردهای بین پادشاهان و جنگاوران رخ مینماید.

۱-۲-۴-۱ تحمل استرس (کنترل فشار)

*سر بریده سخن نگوید. (ج۵/۳۰۴)

وقتی که تاجدخت به طومان اشاره میکند که: «وارب را بکش، طومان کاهلی نکرد و او را سر برید. گفت ای ملکه، چرا چنین کردی؟ کس بیاید و طلب سردار کند. تاجدخت گفت تو این معنی ندانی که سر بریده سخن نگوید؛ هر که در این کار ما چیزی داند، او را از میان بریاید داشت تا کاری توانیم کردن؛ او را ببر و در چاه انداز تا وقت طلب کردن وی باشد جواب توام داد.» (همان، ۳۰۴) تاج دخت به راحتی توانایی مقاومت در برابر رویدادها و موقعیتهای فشارزا را دارد، او بدون هیچگونه استرس و نگرانی، دست به کارهای متهورانه میزند و اغلب هم پیروز میدان است. اینگونه افراد قادرند بدون عقبنشینی، در برابر حوادث و موقعیتهای فشارزا ایستادگی کنند.

-از بالای نباید ترسیدن. (ج۴/۴۷)

برطاس روی به میدان نهاد، نعره‌زنان پیش کاوه آمد. بانگ بر وی زد، گفت ای فرو مایه، حق نان و نمک نگه نداشتی! هم اکنون بگویم که با تو چه میباید کردن. از بالای نباید ترسیدن. این بگفت و با وی به نیزه در آویخت و بسیار با هم بکوشیدند. برطاس نیزه از دست بینداخت، تیغ از جفت برآورد و به کاوه راند که ناگاه اسب کاوه به سر درآمد چنانکه کاوه از پشت بینداخت... برطاس او را بگرفت و پالهنگ در گردن کرد. گفت: سیاف را بخوانید تا وی را پوست بازکنم. پهلوانان لشکر گفتند: ای پهلوان او را نباید کشتن که از ماست، اگر خطایی کرد از کرده پشیمان شود. برطاس گفت او را بند بر نهید.» (همان، ۴۷) چاره جویی و یافتن راه حل مناسب برای تحمل فشار، توانایی انتخاب روشهایی برای سازگاری با فشار، داشتن اعتماد و نگرش خوش بینانه به توانایی خود در برخورد با موقعیتهای جدید برای غلبه بر مشکل به دور از هیجانات شدید، در این قسمت از داستان مشهود است. برطاس خشمگین از کاوه که فردی تنومند و قوی هیکل است با او درگیر میشود اما بدون ترس و عقب نشینی در مقابل او ایستادگی کرده و بر او غلبه میکند و قصد کشتن او را دارد که در نهایت قادر به مقابله فعال و مثبت با فشار خویش میگردد و از کشتن او منصرف میشود.

۲-۴-۲- کنترل تکانه

اگر با هر نابسامانی و هدر رفتن نیرو و سرمایه، انسان خود را در معرض نابودی قرار دهد به سادگی از بین خواهد رفت. مدیران با به وجود آمدن مشکلاتی که ممکن است چندان هم مهم نباشند، نباید انرژی خود را هدر دهند. توانایی به تأخیر انداختن تکانه و وسوسه انجام عملی را کنترل هیجانات میگویند. کنترل خشم، خویشتنداری و توانایی مهار احساسات و به تعویق انداختن کامروایی در جهت رسیدن به هدف، کنترل هیجانات یا تکانه نامیده میشود.

-پادشاه نباید که دل در چیزی بندد. (ج۵/۱۵۵)

چون از نان خوردن فارغ شدند، کاموی شراب آورد. فرخروز گفت مرا شراب نمیباید که دلم از بهر پدر مشغول است و مرا چیزی در دل میآید که دیدار پدر باز نبینم. عالم افروز گفت: ای شاه، این چیست که تو بدان دل نهادهای؟ پادشاه نباید که دل در چیزی بندد.» (همان، ۱۵۵) عالم افروز غیرمستقیم میخواهد مهارت خویشتنداری و توانایی مهار احساسات و به تعویق انداختن کامروایی در جهت رسیدن به هدف را به فرخروز آموزش دهد.

قصاب جرم کند کفشگر ملامت کشد؟ (ج ۵/۱۱۴)

زمانی که قماق در حق خورشید شاه خیانت میکند و جام تصمیم میگیرد که فرزند قماق (علقوم) را مجازات کند: «وزیر خدمت کرد، گفت: ای شاه زینهار تا این کار نکنی. اگر پدر گناهی کرد فرزند چه کند؟ بیداد مکن. علقوم را بنواز و دلگرمی ده و با سپاهی گران به خدمت خورشید شاه فرست تا برود و عذر از بهر پدر بخواهد. علقوم سخنان وزیر شنید گستاخ شد. گفت ای شاه، قصاب جرم کند، کفشگر ملامت کشد؟» (همان، ۱۱۴) خورشید شاه به توصیه وزیر کاردان و با لیاقت خود، با مهار خشم خود و به تأخیر انداختن تکانه، هیجانان خود را کنترل کرده و از وقوع یک حادثه غمانگیز که میتواند تبعات ناگواری به همراه داشته باشد جلوگیری میکند. مثلی که علقوم میگوید نیز حاوی همین نکته است و دعوت به کنترل تکانه و خشم میکند.

۳-۴ مهارت های میان فردی

سومین مقیاس، مهارتهای میان فردی است که شامل همدلی، روابط بین فردی، و مسئولیتپذیری اجتماعی است. فراوانی بالا در این مقیاس نشان دهنده وجود افراد مسئول و مطمئنی است که دارای مهارتهای خوب اجتماعی هستند. دیگران را به خوبی درک میکنند و به خوبی با آنها تعامل و ارتباط دارند. عملکرد این افراد در موقعیت هایی که احتیاج به کار گروهی و تعامل با دیگران دارند بسیار خوب است.

۱-۳ روابط بین فردی

سر قول دشمن اعتماد مکن. (ج ۴/۴۴۶)

خورشیدشاه در گفتگو با عدنان وزیر مثل فوق را به کار میبرد و میگوید اگر قاطوش به خدمت آید و قسم هم بخورد به او اعتماد نمیکنم، چون از طینت و درون او آگاهی. در اینجا آگاهی از روابط بین افراد منجر به شناخت بیشتر افراد و باعث عمل و تصمیم صحیح میشود. روابط بین فردی مستلزم خویشتنداری، همدلی و مهارت در ابراز احساسات است.

بی اجازت در آمدن در خانه جوانمردان ناجوانمردی است. (ج ۱/۲۶)

خورشید شاه برای دیدار سمک عیار به نزد شغال پیل زور می رود. «دو جوان ایستاده بودند. گفت: سر جوانان را بگوی که غریبی آمده و میخواهد در آید، اگر اجازت باشد. ایشان گفتند که در جوانمردان گشاده باشد. شاهزاده گفت: چنین است. اما بی اجازت در آمدن در خانه جوانمردان ناجوانمردی است.» (همان، ۲۶) اجتماعی بودن و اهمیت دادن به روابط اجتماعی و توانایی برقراری و حفظ یک رابطه صمیمی و انتقال آن به دیگران، موجب نزدیکی عاطفی در بین افراد میشود. مثل مذکور نیز همین کارکرد را دارد.

۲-۳ تعهد اجتماعی (مسئولیت پذیری)

سر جوانمردی وفا نگاه داشتن است (ج ۵/۶۰۸)

سمنرخ از سمک گله مند است که وفادار نبوده و او را نمیشناسد. سمک میگوید: «در همه جهان وفاداری و جوانمردی از من برند، از چه مرا بیوفا خوانی... سمنرخ گفت: از بی وفایی یکی این است که مرا بازنمیشناسی. پیش من که زنیام این عیب است و سر جوانمردی وفا نگه داشتن است.» (همان، ۶۰۸) وفادار بودن مستلزم مسئولیتپذیری و تعهد داشتن شخص است که در مثل فوق آشکار است.

کار پادشاهی به سستی برنیاید. (ج ۱/۲۲۹) این مثل نیز حاکی از مسئولیتپذیری شخص شاه است.

۳-۴-۳ همدلی

سر درد، کسی رسد که دردی دارد. (ج ۱/۱۰۸)

همدلی، توانایی درک کردن و شناخت احساس دیگران و بی توجه نبودن نسبت به آنها است و اینکه بتوان خود را به جای دیگران گذاشت و از دریچه فکر دیگران به موقعیتهای نگریست. این احساس باعث میشود که انسان به کمبودها دقت کند و بفهمد دیگران چه نیازهایی دارند و چگونه میتوان مشکلات آنها را حل کرد.

سبی زرکار مردم بر نیاید. (ج ۶۱/۱)

نیاز مردم موجب میشود که کارشان سامان نگیرد و درک این موقعیت در ضربالمثل فوق، نشاندهنده همدلی است.

۴-۴ درون فردی

مقیاس درون فردی به عنوان چهارمین مقیاس ولی از لحاظ سطح، پایینتر از مهارتهای میان فردی است. داشتن خودآگاهی هیجانی، جرأتورزی، خودشکوفایی، خودتنظیمی و استقلال، ویژگیهای درونی افرادی که با احساسات خود در تماس هستند. آنها درباره خود، احساس مثبت و آفری دارند، قادر به بیان عواطفشان هستند و در بیان امور و ایدهها مطمئن اند.

۴-۴-۱ خودآگاهی هیجانی

منظور از خودآگاهی هیجانی، شناخت خود، هیجانها، علت به وجود آمدن آنها، لایههای عمیق احساسات و هیجانها و ارتباط افکار و هیجانها با هم است و در آن میزان آگاهی فرد از احساسات خویش و درک و فهم این احساسات بررسی میشود و به طور کلی توانایی تشخیص و درک هیجانات خود فرد است.

- سخن پشت و روی دارد. (ج ۵۵۸/۵)

«مردان دخت گفت: ای پدر، سخن پشت و روی دارد... هرکسی آنچه مراد او باشد چنان گیرد. عاقل باید که بداند گفت و جواب آن باز تواند داد و دانا باید که تواند شنید» (همان، ۵۵۸) اینکه فرد خود را بشناسد و از ارتباط افکار و هیجانها و علت به وجود آمدن آنها آگاهی داشته باشد در مثال فوق مستتر است. پی بردن به کم و کیف و علل پیامی که میفرستد و نتایج و پیامدهای آن، از نتایج خودآگاهی هیجانی است. اگر انسانها به پیامدهای افکار و احساسات و کلام خود، آگاهی داشته باشند میتوانند از عواقب مخرب آن جلوگیری کنند.

۴-۴-۲ جرأت و ورزی (خود ابرازی)

- مرد باید که مرد باشد چه قصاب و چه لشگری. (ج ۲۵۸/۴)

فرد باید در مواقع ضروری، احساسات، عقاید و افکار خود را به صورت آشکار بیان کند، هرچند که ناخوشایند برخی کسان باشد. مثل مذکور نیز همین را میگوید. توانایی ایستادگی در برابر حقوق و بیان عقاید خود، اگر چه مخالف انتظار دیگران باشد و اتخاذ موضع مشخص حتی با از دست دادن امتیازات حیاتی یکی از خصوصیات عیاران است و چه بسا سر خویش را در این راه از دست بدهند. «اینک فرس ای نگار و اینک میدان. (ج ۲۹۰/۵)

۴-۴-۳ خود تنظیمی (حرمت نفس)

خودتنظیمی یا حرمت نفس و توجه به خود، به معنی پذیرش خود به عنوان شخصی ارزشمند، احترام به خود و دوست داشتن خود آنگونه که هستیم است. پذیرش تمام قابلیتها و تواناییها، ضعفها، محدودیتهای و درکل، تمام نکات مثبت و منفی در خود، به معنای حرمت نفس است.

- از گلخن گرماوه بیرون نیامدهایم. (ج ۳۱۸/۴)

زمانی که سمک فدکاریهای شروان بشن را برای رهایی فرخ روز با حالت تبختر برای گلبوی شرح میدهد، گلبوی در جواب سمک میگوید: «تو نیز که این سخن گفتی که اگر شروان بشن شاهزاده است و از خان و مان پادشاهی برآمده است راست میگویی، ما نیز به شهر خویش مردم بودیم، مجهولزاده نیستیم و از گلخن گرماوه بیرون نیامدهایم. خان و مان و تخت پادشاهی ما را کم نبود و همه رها کردیم از بهر مراد دل.» (همان، ۳۱۸)

۴-۴-۴ خودشکوفایی

- جوینده یابنده باشد. (ج ۲۶۹/۱)

زمانی که بهزاد به دست روز افزون کشته میشود، سمک میخواهد بداند که این دختر کیست و از او نامش را میپرسد. «دختر گفت: برو و سر خویش گیر که گفتی نیست. اگر گویم تهمت زده باشم شرط نیست. اگر طلبکار من باشی بیایی که جوینده یابنده باشد. این بگفت و بازگشت» (همان، ۲۶۹)

- هر کار پدید و مرد هر کار پدید. (ج ۲۳۳/۱)

برای دستیابی به خودشکوفایی و به نتیجه رساندن کارها و احساس رضایت از انجام کار، باید جویندهای یابنده باشیم. شکوفا کردن استعدادها بالقوه، قابلیتدستیابی است اگر مرد کار باشیم و بتوانیم از قابلیتهای خود آگاه شویم و از آنها به خوبی استفاده کنیم.

۴-۵ استقلال

- زن باید که با ستر بود و پاکدامن و پرهیزگار، چه در میان صد مرد و چه در پس پرده. (ج ۵۲۵/۱)
 خود تصمیمگیرنده بودن و به عبارتی خودهدایتگری، خودکنترلی و عدم وابستگی عاطفی، نشاندهنده استقلال فرد است. در مثل بالا، اینکه زن باید در همه شرایط چه در خانه چه در اجتماع- خودکنترلی داشته باشد و خود را آلوده نکند و منحرف نشود، بیانگر استقلال است و او را مستقل و آزاد میخواند.

- کسی از آفتاب نشان نپرسد!

قزل ملک در قد و بالا و کوپال و اسب و ساز و سلب او نگاه کرد. گفت: ای آزاد مرد، اگر مردی راست بگوی تا تو را نام چیست؟ خورشیدشاه گفت: ای نادان کسی از آفتاب نشان پرسد؟ یا چشمه خورشید را به گل پنهان توان کرد؟ کسی باشد که او را از نام خود ننگی باشد. نام من خورشیدشاه است» (ج ۲۴۳/۵) خورشیدشاه توانایی هدایت افکار و اعمال خود را دارد. فردی مستقل در تصمیمگیریها است و به عبارت دیگر، استقلال، خودهدایتگری، خودکنترلی، اعتماد به نفس و عدم وابستگی عاطفی از خصوصیات اوست و در این مثل نمود یافته است.

۴-۵ خُلق عمومی

۴-۱ شادی (خرسندی)

- تو خرما میخور و خر میران. (ج ۷۸/۱)

منظور از خرسندی و شادی، توانایی لذت بردن از زندگی و داشتن رضایت است. زمانی که فرد از زندگی خود احساس رضایت داشته باشد، شادی را تجربه خواهد کرد. انسان با حداقلها در زندگی میتواند به خوبی از زندگی لذت ببرد، اما در صورت داشتن حرص و طمع، از زندگی لذت نخواهد برد. مثل بالا همین موضوع را بیان میکند.

- کجا خوشتر؟ آنجا که دل خواهد. (ج ۲۴۷/۵) «تاج دخت گفت: چون تو نخواهی آمدن، من نیز در خدمت تو میباشم که مرا دل با توست. گویند کجا خوشتر؟ آنجا که دل خواهد؛ دل من تو را خواهد و نمیخواهم که از پیش تو بروم.» (همان، ۲۴۷) تاج دخت از این که در کنار گرده بازوست خرسند است، پس شادی را تجربه خواهد کرد. مثل زیر هم بیان آشکار همین موضوع است: «همه کاری به دلخوشی بتوان کرد.» (ج ۱۸۷/۴)

۴-۲ خوش بینی

- از روی نیکو همه کار نیکو آید. (ج ۲۲/۴)

سمک با نگرش مثبت، واقعیتها را زیبا ببیند و برای کارها انتظار پایان خوش دارد. «چون روز شد، فولاد اسب آورد. عالم افروز (سمک) به دست گرفت، اول نعل وی برکند و او را به محلت برطاس آورد. نگاه کرد. نعلبندان در آن بازارگاه بسی بودند، در میان ایشان جوانی دید نشست. با خود گفت: از روی نیکو همه کار نیکو آید.» (همان، ۲۲)

- مرا دل خوش است، چون همه رفت، جان بر جای است. (ج ۱۹۵/۲)

در اینجا ارمنشاه قصه از بین رفتن اموال خود را برای فغفور شاه بیان میکند و خوشبینی او از آن است که جان هنوز باقی است. سمک نیز همین مثل را در جای دیگری به کار میبرد: «غم سرای و مال نشاید خوردن، چون جان به جای است، مال فراوان است.» (ج ۱۹/۴)

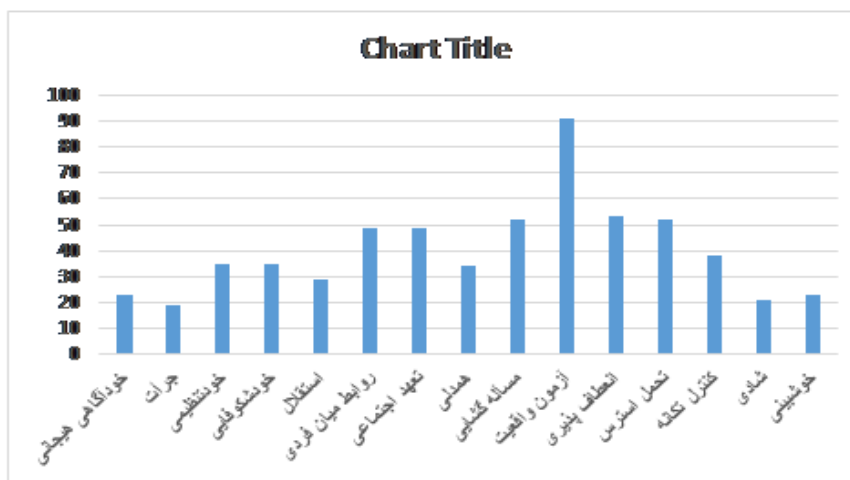
جدول ۱: هوش هیجانی (بار اون گاردنر ۲۰۰۴)

مقیاس‌های هوش هیجانی-عاطفی و موارد مورد ارزیابی آنها	
مفهوم مقیاسها	مقیاس هوش هیجانی - عاطفی
خود آگاهی و خود ابرازگری: دریافت خود به طور دقیق، درک کردن و پذیرفتن خود آگاهی داشتن و درک کردن عواطف خود ابراز سازنده و موثر عواطف خود و فرد متکی به خود بودن و آزادی از وابستگی عاطفی به دیگران تلاش برای رسیدن به اهداف شخصی و عملی کردن پتانسیلهای فردی	درون فردی: توجه به خود خودآگاهی عاطفی خود ابرازگری استقلال خود شکوفایی
آگاهی اجتماعی و روابط میان فردی: آگاهی و درک احساسات دیگران هویت‌یابی از طریق عضویت گروه‌های اجتماعی و همکاری با دیگران ایجاد روابط رضایتمندانه دو طرفه و ارتباط خوب با دیگران	میان فردی: همدلی مسئولیت اجتماعی روابط میان فردی
مدیریت عواطف و تنظیم آن: مدیریت عواطف به طور موثر و سازنده کنترل عواطف به طور موثر و سازنده	مدیریت استرس: تحمل استرس کنترل تکانه
مدیریت تغییر: اعتبار بخشیدن به احساسات و تفکرات شخصی به‌طور هدفمند با واقعیت‌های خارجی سازگاری و تنظیم عواطف و تفکرات فرد با موقعیت‌های جدید حل مؤثر مسائل فردی و میانفردی	سازگاری: واقعیت‌آمیزی انعطاف‌پذیری حل مسئله
خود انگیزه‌مندی: مثبت بودن و دیدن طرف روشن و امید بخش زندگی احساس رضایتمندی کلی از خود، دیگران و زندگی	حالت عمومی: خوشبینی شادی

جدول ۲: فراوانی ضرب المثل ها بر اساس مولفه های هوش هیجانی در کتاب سمک عیار

		تحلیل ضرب المثل ها داستان سمک بر اساس مولفه های هوش هیجانی														
جمع	خلق کلی		کنترل استرس		سازگاری			برون فردی			درون فردی					
	خود آگاهی	خود ابرازگری	کنترل تکانه	تحمل فشار	انعطاف	واقفین	حل مسئله	مسئولیت	روابط میان	همدلی	خود شکوفایی	استقلال	گرم نفس	قاطعیت	خود آگاهی	
۱۲۹	۳	۷	۹	۱۴	۵	۱۹	۱۱	۹	۱۰	۱۰	۱۱	۸	۱	۱	۶	۱
۱۴۶	۵	۳	۱۲	۱۵	۱۰	۲۱	۱۰	۹	۱۴	۱۴	۹	۶	۵	۵	۵	۲
۵۹	۳	۳	۱	۵	۶	۷	۳	۳	۷	۷	۴	۲	۲	۱	۵	۳
۱۲۰	۳	۲	۹	۸	۱۵	۲۰	۱۰	۸	۹	۹	۶	۵	۱۱	۴	۱	۴
۱۴۹	۹	۶	۷	۱۰	۱۷	۲۴	۱۸	۵	۹	۹	۵	۸	۸	۸	۶	۵
۶۰۳	۲۳	۲۱	۳۸	۵۲	۵۳	۹۱	۵۲	۳۴۴	۴۹	۴۹	۲۹	۳۵	۳۵	۱۹	۲۳	۵
۶۰۳	۴۴		۹۰		۱۹۶			۱۳۲			۱۴					۵

نمودار ۱: مولفه های هوش هیجانی



نتیجه گیری

در داستان سمک عیار انواع ضربالمثلهای قابل مشاهده است؛ بعضی از ضربالمثلهای کوتاه است و در دو کلمه یا عبارتی کوتاه بیان شده و برخی دیگر بلندتر و در قالب یک جمله است. از بررسی 603 ضرب امثل نتایج زیر به دست آمد: ضربالمثلهای مطرح شده در کتاب، تقریباً در همه بخشها و گفتگوها مشاهده میشود و مختص یک بخش خاص از داستان نیست و به طور میانگین در هر چهار صفحه حداقل یک ضربالمثل متناسب با شرایط و رویدادهای داستان آمده است. گرایش ضربالمثلهای بیشتر به شیوه زندگی و آداب و رسوم و اصول جوانمردی و عیاری است. مقیاس سازگاری در ضرب المثل ها از میزان فراوانی قابل توجهی نسبت به مؤلفه های دیگر، برخوردار است و نشان میدهد که گرایش این داستان به واقعگرایی همراه با حل مسئله و انعطاف پذیری در مواقع مقتضی برای خروج از مشکلات، بیشتر است. پانزده مؤلفه هوش هیجانی که در ضربالمثلهای مورد بررسی قرار گرفت، نشان داد که به ترتیب: نواقعیگری، انعطاف پذیری، حل مسئله، تحمل استرس، روابط میان فردی و تعهد اجتماعی مورد توجه بوده است. به بیان دیگر در این کتاب نه فقط شیوایی بیان و نوشتار و سرگرمکنندگی، بلکه مهمترین قواعد و اصول و مهارتهای زندگی انسان نیز مورد توجه بوده است. بررسی آماری هم نشان میدهد که میان مؤلفه های هوش هیجانی که در ضرب المثل های کتاب مورد بررسی قرار گرفت، تفاوت معنی داری وجود دارد. فاصله مقیاس سازگاری با بقیه مقیاسها بسیار زیاد است و در این بین مؤلفه واقعیگری که لازمه زندگی، فعالیت اجتماعی، سیاسی و نظامی میباشد، از همه مؤلفهها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. از همین روی، شایسته است که تعیینکنندگان برنامه درسی، متن سمک عیار و متونی از این دست را پیش چشم داشته باشند. با توجه به نیاز نسل کنونی و شرایط ویژه حاکم بر جامعه، شایسته است که در مقیاس سازگاری، نسبت به مؤلفه های دیگر توانا تر و ماهر تر باشند و راه برون رفت از مشکلات را بهتر بیاموزند. بیشک انتخاب قسمتهایی از این کتاب که گویای مؤلفه های هوش هیجانی متناسب با زمان و شرایط کنونی ماست، کمک میکند آموزشهای بهتر و بهر روزتری را برای فرزندان سرزمین خود تدارک ببینیم.

منابع

- آقایار، سیروس و شریفی درآمدی، پرویز (1386) هوش هیجانی، کاربرد هوش در قلمرو هیجان، چاپ دوم، تهران: سپاهان.
- ارجانی، فرامرز بن خداداد (1367) سمک عیار، 5 ج، تصحیح پرویز ناتل خانلری، چاپ پنجم، تهران: آگاه.
- اکبرزاده، نسرين (1383) هوش هیجانی، دیدگاه سالوی و دیگران، چاپ اول، تهران: فارابی.
- برکتین، مجید « (1391) هوش هیجانی را بشناسیم » دو ماهنامه هوش مصنوعی و ابزار دقیق، شماره 33، ص 28-29.
- پورنامداریان، تقی (1396) رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، چاپ نهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- جوانمرد، کمال و نجیبزاده، مهناز « (1390) بررسی مردمشناختی ویژگیهای فرهنگی و اقلیمی در ضربالمثلهای شهر کرمان » فصلنامه ادبیات و زبانهای محلی ایرانزمین، شماره 3، ص 37-60.
- چراغی، مونا و ابراهیمی، مریم « (1397) تحلیل روانشناختی رابطه والد-فرزندی در ضربالمثلهای ایرانی » فصلنامه خانواده پژوهی، شماره 55، ص 383-410.
- ذوالفقاری، حسن « (1386) هویت ایرانی و دینی در ضرب المثلهای فارسی » فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره 2، ص 27 - 53.
- _____ « (1387) تفاوت کنایه با ضربالمثل » پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، شماره 10، ص 109-133.
- سلیم، عبدالامیر « (1356) پند و آزند در داستان سمک عیار » پژوهشنامه بخش زبانشناسی مؤسسه آسیایی، شماره 1، ص 1-29.

- سهرابزاده، مهرا و یزدخواستی، بهجت» (1391) مطالعه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در ضربالمثل‌های فارسی» فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره 29، ص 63-90.
- صادق‌یمنش، علی، علوی مقدم، مهیار، استاجی، ابراهیم» (1396) بررسی همسنج جایگاه زن در ضرب المثل‌های امثال و حکم و فرهنگ ضرب المثل‌های آکسفرد بر بنیاد دیدگاه روانشناختی آلفرد آدلر و اریک برن «دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، شماره 17، ص 47-69.
- میردریکوندی، رحیم» (1390) هوش هیجانی، پیشینه و رویکردها از نگاه دین و روان‌شناسی» فصلنامه روانشناسی و دین، سال چهارم، شماره 3، ص 97-127
- ناتل خانلری، پرویز (1364) شهر سمک، تهران: آگاه.
- ناظریان، محمدصادق و نظری، ماه» (1398) بررسی ضربالمثل به عنوان یک گونه ادبی و ارتباط آن با اجتماع از دیدگاه داستان سمک عیار» فصلنامه سبکشناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره 46، ص 321-338.
- نجاتی، وحید و رامش، سمیه» (1394) آزمون درک ضربالمثل فارسی: ساخت و بررسی ویژگی‌های روانسنجی «مجله توان بخشی نوین، دوره 9، شماره 5، ص 106-114.

Orientation of Samak Ayar story proverbs from the perspective of emotional intelligence capabilities

Abstract

The proverbs of each people and nation show their habits and thoughts, so the present study wants to examine the widespread use of proverbs in the story of Samak Ayar to go beyond them. Understand the behavior and actions of people in the community. Previous research has only sought to find proverbs in the story of Samak Ayar, but the authors in this study sought to find emotional capabilities in the proverbs of this story based on the theory of "bar-on" (bar- on) are. The research method is the use of content analysis. The unit of analysis is all the proverbs that are given in sentences in this book. When the proverbs were analyzed as a unit of record, they were matched to the components of emotional intelligence from a bar-on perspective. In the five volumes of Samak Ayar, 603 proverbs were found, most of which refer to the character and principles and rules respected in the circle of Ayaran. Among the 15 components mentioned in proverbs, respectively, realism, flexibility, problem solving, stress tolerance, interpersonal relationships and social commitment have received more attention than the other components. There is a statistically significant difference between these components and the distance of the compatibility scale with the rest of the scales is very large.

Keywords: Samak cutie story, emotional intelligence, emotional abilities, proverb